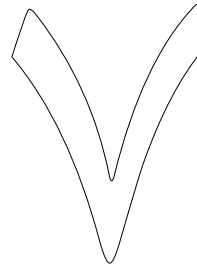


آیین دادخواهی فردی نزد دادگاه آفریقایی حقوق بشر



— داریوش اشرفی —

— امیر حسین نوربخش —

— میثم باقری مقدم قهرمانلو —

چکیده

حقوق بین‌الملل به‌عنوان نظامی حقوقی، به علت فقدان قدرت اجرایی متمرکز، از نظام‌های حقوق ملی و داخلی یا درون‌سازمانی متمایز می‌شوند. متأسفانه در مورد حمایت بین‌المللی از حقوق بشر نیز، ضعف اساسی محسوس است. آن بخش از قواعد حقوق بشر که رعایت می‌شوند با آن بخش از قواعدی که در این زمینه توسط جامعه بین‌المللی به‌عنوان قواعد لازم‌الاجرا پذیرفته شده، فاصله زیادی دارد. در جهانی که حقوق بشر مدام و به شیوه‌های گوناگون نقض می‌شود، رسیدگی به این نقض‌ها و تعقیب و مجازات ناقضان حقوق بشر به‌ویژه در قاره آفریقا که جولانگاه بسیاری از جنگ‌های داخلی و رفتارهای ناقص حقوق بشر است، به دغدغه‌ای جهانی و مهم تبدیل شده است. آیین دادخواهی فردی یا همان حق شکایت، یکی از عوامل مؤثر در حمایت از حقوق اساسی بشر و تضمینی برای رعایت آن از سوی جوامع ملی و بین‌المللی می‌باشد. در این مقاله سعی می‌شود چگونگی طرح شکایت فردی در دادگاه آفریقایی حقوق بشر به‌عنوان یکی از دو سازوکار موجود در سطح قاره آفریقا با توجه به اساسنامه و اصول رسیدگی مندرج در اسناد معاهده‌ای آن مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: نظام آفریقایی حقوق بشر، دادگاه آفریقایی حقوق بشر، کمیسیون آفریقایی حقوق بشر، حمایت از حقوق بشر، دادخواهی فردی

— استادیار حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی؛ واحد تهران مرکزی
(Dar.Ashrafi@iauctb.ac.ir)

— دانشجوی دکترای حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی؛ واحد علوم و تحقیقات تهران
(amirnorbaksh2010@gmail.com)

— کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی؛ واحد تهران مرکزی
(meysam.bagherimoghadam@gmail.com)

تاریخ پذیرش: ۹۵/۶/۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱

فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال دوم، شماره هفتم، تابستان ۱۳۹۳، صص ۱۸۴-۱۶۳

جستارگشایی

طی نخستین سال‌های قرن بیستم، مسئله حمایت از حقوق بشر رفته‌رفته مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار گرفت. در قالب جامعه ملل که در نتیجه جنگ جهانی تأسیس شده بود، تلاش‌هایی برای توسعه چارچوب قانونی بین‌المللی به منظور حمایت از اقلیت‌ها از طریق سازوکارهای نظارتی بین‌المللی صورت گرفت. فجایع رخ داده در جریان جنگ جهانی دوم، جامعه بین‌المللی را برانگیخت تا اطمینان حاصل کند که چنین اشتباهاتی هرگز تکرار نخواهد شد و همچنین زمینه را برای حرکت‌های نوین برای استقرار یک نظام بین‌المللی الزام‌آور به منظور حمایت از حقوق بشر فراهم آورد. اصول و هنجارهای حقوق بشر جهانی، ناظر بر حقوق اساسی و بنیادی است که از جمله حقوق ذاتی تلقی شده و با اکتساب بر کرامت و حیثیت انسان، جزئی از حقوق غیرقابل سلب افراد در مقابل دولت و جامعه است و دولت‌ها نسبت به رعایت و احترام به حقوق مزبور ملزم و مکلف تلقی شده‌اند (تامورشات، ۱۳۹۱: ۳۶). در نتیجه تکلیف عام بودن آن فرض می‌شود و الزام به رعایت موازین حقوق بشر، تا مرز تکلیف فعال و تعهد به نتیجه و در استمرار آرمان‌های عام بشری امتداد یافته است (موثقی و احمدپور، ۱۳۹۲: ۳۳). در این برهه، لزوم تضمین اجرای حقوق بشر علاوه بر اجرا و تضمین دولتی به محدوده درخواست اجرا از طریق افراد گسترش یافته است که به آن «دادخواهی فردی» می‌گویند و به نظر می‌رسد مهم‌ترین و مؤثرترین شیوه جهانی حمایت از حقوق بشر باشد. سازوکار دادخواهی فردی آیینی است که به قربانیان نقض حقوق بشر اجازه می‌دهد که در مرجعی بین‌المللی طرح شکایت نمایند. در این صورت، دولتی که علیه آن اقامه دعوی می‌شود در همان سطح خواهان قرار می‌گیرد؛ بدون اینکه قادر باشد از حقوق حاکمیتش به منظور فرونشاندن شدت اقدامی که علیه آن اقامه شده، استفاده کند (تامورشات، ۱۳۹۱: ۳۵).

آیین شکایت فردی، در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون منع شکنجه و دیگر اسناد بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته و در سطح منطقه‌ای نیز نهادهای منطقه‌ای بین‌المللی تشکیل شده‌اند تا این شیوه را اجرا کنند؛ مثل دادگاه اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۹ در اروپا) و دادگاه آمریکایی حقوق بشر (۱۹۸۰ در آمریکا) و اتحادیه آفریقا در سطح قاره آفریقا (۱۹۸۱). دولت‌های آفریقایی، کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم را تصویب کردند و متعاقب آن، نهادهای نظارتی به نام کمیسیون آفریقایی حقوق بشر ایجاد شدند. بعد از سال‌ها اختلاف، در سال ۱۹۸۸ پروتکل ایجاد نهاد آفریقایی حقوق بشر، امضا و در



۲۵ ژانویه ۲۰۰۴ لازم‌الاجرا گردید که واجد صلاحیت شخصی و موضوع بسیار گسترده‌ای است.

دیوان آفریقایی حقوق بشر دارای دو صلاحیت ترافیعی و مشورتی است و به موجب ماده ۳ پروتکل؛ «صلاحیت دادگاه شامل تمام قضایا و اختلافاتی است که راجع به تفسیر و اجرای منشور حاضر و هر معاهده آفریقایی حقوق بشری دیگری که به آن ارجاع داده می‌شود» و طبق ماده ۵ پروتکل؛ «به دادگاه این اختیار را می‌دهد که شکایات مطرح شده توسط افراد و سازمان‌های غیردولتی را با توجه به وضعیت آنها نزد کمیسیون آفریقایی بررسی کند». با توجه به این موضوع و از آنجایی که قاره آفریقا از مناطق کمتر توسعه‌یافته است و کماکان با بحران‌های امنیتی و انسانی زیادی درگیر است، احتمال نقض حقوق بشر در این منطقه بسیار محتمل است. در این راستا انجام دادخواهی فردی و به سرانجام رسیدن درخواست‌های افراد برای تضمین حقوقشان حائز اهمیت است. به همین منظور در این مقاله ابتدا به معرفی دادگاه می‌پردازیم و سپس رابطه آن با نخستین نهاد تأسیس‌یافته طبق منشور آفریقایی که همان کمیسیون باشد را بررسی خواهیم کرد؛ چراکه فهم رابطه این دو، ما را در تبیین سازوکار دادخواهی نزد دادگاه آفریقایی یاری خواهد رساند و در ادامه بحث به توضیح صلاحیت‌ها، نحوه پذیرش مکاتبات (شکایات) و چگونگی رسیدگی و صدور حکم خواهیم پرداخت.

۱. دادگاه آفریقایی حقوق بشر

دومین نهادی که به موجب منشور آفریقایی (۱) ایجاد شده است، دادگاه آفریقایی حقوق بشر و مردم است که از این پس در این مقاله از آن با عنوان دادگاه یاد می‌شود. پروتکل الحاقی به منشور در خصوص تأسیس دادگاه در روز ۲۵ ژانویه ۲۰۰۴ لازم‌الاجرا شد. دادگاه نهاد قضایی تخصصی است که تأسیس شده تا بی‌طرفانه در مورد مسائل حقوق بشری آفریقا قضاوت کند. دادگاه وظیفه حمایتی کمیسیون را تکمیل می‌کند. کمیسیون متشکل از یازده قاضی منتخب از میان کشورهای عضو اتحادیه آفریقا است که بر اساس صلاحیت فردی از میان حقوقدانان واجد شخصیت والای اخلاقی و علمی و دارای شایستگی و تجربه قضایی و دانشگاهی در زمینه حقوق بشر و مردم انتخاب می‌شوند (ماده ۲ پروتکل). دو قاضی با یک تابعیت نمی‌توانند در دادگاه انتخاب شوند (ماده ۱۱ پروتکل). قضاوت برای یک دوره شش‌ساله انتخاب می‌شوند و امکان انتخاب مجدد آنها تنها برای یک‌بار وجود دارد. مقر دادگاه در آروشا در جمهوری تانزانیا مستقر است. در انتخاب قضاوت، مجمع باید

مطمئن شود که نمایندگی از جانب اکثریت مناطق آفریقا و از رویه‌ها و سنت‌های قانونی اصلی رعایت شده است و همچنین نسبت به رعایت تناسب جنسیتی در انتخاب اعضا اطمینان حاصل کند (بندهای ۲ و ۳ ماده ۱۴ پروتکل). قضات دادگاه، نمایندگان دولت‌های متبوع خود نیستند. آنها وظایف خود را صادقانه و بی‌طرفانه انجام می‌دهند. دادگاه رئیس و نایب‌رئیس را که به مدت دو سال خدمت می‌کند، انتخاب و امکان انتخاب مجدد نیز، وجود دارد. تمام قضات، به‌جز رئیس دادگاه به‌صورت پاره‌وقت کار می‌کنند (۲).

در نتیجه استقلال قضایی تضمین شده است؛ بنابراین قضات نباید در هر پرونده‌ای که در رابطه با دولت متبوع آنها است، شرکت کنند. علاوه بر این، هیچ‌یک از قضات نمی‌توانند در هر پرونده‌ای که در گذشته در بخشی از آن به‌عنوان نماینده، وکیل مدافع یا مشاور برای یکی از طرفین یا به‌عنوان یک عضو دادگاه ملی یا بین‌المللی یا یک کمیسیون تحقیق یا هر صلاحیت دیگری انتخاب‌شده باشد، شرکت کنند. قضات دادگاه به میزان مقامات دیپلماتیک، بر اساس حقوق بین‌الملل از مصونیت برخوردارند (بند ۴ ماده ۱۷ پروتکل). با توجه به اخلاق حرفه‌ای، یک قاضی نباید فعالیت‌هایی را که با وظایف اداری یا بی‌طرفی و استقلال آن منافات و ناسازگاری دارد، انجام دهد (۳). ماده ۱۹ آیین رسیدگی دادگاه مقرر می‌دارد که قاضی نباید تعلیق یا اخراج شود، مگر اینکه دیگر قضات به اجماع بیان کنند که قاضی شرایط مقرر را به‌عنوان قاضی دادگاه ندارد. چنین تصمیمی از سوی دادگاه، قطعی و نهایی است؛ مگر اینکه در جلسه‌ای جداگانه توسط مجمع مورد بررسی قرار گیرد (Udombana, 2003:166).

دادگاه در سال چهار جلسه عادی برگزار می‌کند که هر یک از این جلسات حداقل ۱۵ روز ادامه می‌یابد. تاریخ جلسات باید قبلاً توسط دادگاه مشخص شوند (۴). زبان‌های رسمی و کاری دادگاه، همان زبان‌های رسمی اتحادیه آفریقایی از جمله عربی، انگلیسی، فرانسوی و پرتغالی هستند. با این حال دادگاه می‌تواند یک یا چند زبان را به‌عنوان زبان کاری دادگاه تعیین کند.

برای دادگاه دو نوع صلاحیت پیش‌بینی شده است، صلاحیت ترافعی و مشورتی. مطابق بند ۱ ماده ۳ پروتکل، دادگاه در قضایا و اختلافات مربوط به تفسیر و اجرای منشور، پروتکل و هرگونه سند حقوق بشری که به تصویب دولت‌های عضو رسیده باشد، اعمال صلاحیت می‌کند. کمیسیون آفریقایی حقوق بشر، دولت‌های عضو که در جریان رسیدگی‌های کمیسیون دخیل بوده‌اند، دولت‌های عضو که اتباع آنها قربانی نقض حقوق



بشر شده‌اند، سازمان‌های دولتی آفریقایی، سازمان‌های غیردولتی و افراد می‌توانند نزد دیوان طرح دعوی نمایند (ماده ۵ پروتکل). در طی مباحث آتی، محدوده قلمرو صلاحیت ماهوی، شخصی، زمانی و مکانی دادگاه بیان خواهد شد.

به موجب بند ۱ ماده ۴ پروتکل، دیوان از اختیار ارائه نظریه‌های مشورتی حقوقی برخوردار است. قلمرو موضوعی صلاحیت مشورتی دادگاه از این مفهوم بسیار وسیع برخوردار است که دادگاه می‌تواند خود نه فقط در مورد منشور، بلکه در مورد کلیه اسناد حقوق بشری اظهار نظر کند. تنها محدودیت اعمال شده این است که اظهارهای دادگاه نباید مربوط به موضوعی باشد که تحت بررسی کمیسیون قرار دارد. این شرط به معنی حمایت از وظیفه حمایتی کمیسیون است که به‌طور ضمنی دلالت بر این دارد که می‌توان درخواست یک نظریه حقوقی را خطاب به کمیسیون یا دادگاه ارائه داد (۵). اتحادیه آفریقایی یکی از ارکان آن، یکی از کشورهای عضو اتحادیه یا یک سازمان آفریقایی که توسط اتحادیه به رسمیت شناخته شده باشند، می‌توانند از دادگاه تقاضای نظریه حقوقی نمایند (بند ۱ ماده ۴ پروتکل) (Viljoen & Odinkalu, 2006: 23).

دادگاه نسبت به دو هم‌تای منطقه‌ای خود؛ یعنی دادگاه اروپایی حقوق بشر و دادگاه آمریکایی حقوق بشر، دارای وجوه تمایز بسیاری همچون داشتن صلاحیت اختیاری در رسیدگی به شکایات افراد و سازمان‌های ناظر در کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم و نیز وسعت اختیارات قانونی قابل اجرا (مواد ۳ و ۷ پروتکل) در این دادگاه است (۶). این نهاد همچنین دارای نقاط اشتراکی مثل دوره خدمت شش‌ساله قضات (ماده ۱۵ پروتکل)، اعطای صلاحیت مشورتی و توافقی (ماده ۴ پروتکل) به دادگاه است (۷).

۲. رابطه کمیسیون و دادگاه

قبل از ورود به بحث، سازوکار دادخواهی فردی دو نهاد، رابطه بین این دو نهاد و چگونگی اعمال این رابطه را بررسی کنیم. دادگاه تأسیس نشد تا جایگزین کمیسیون شود، بلکه نقش تکمیل کارکردهای کمیسیون را برعهده دارد. نظر پروتکل در مورد رابطه میان دو نهاد مبهم است. تهیه‌کنندگان، پیش‌نویس پروتکل این مسئله را به دادگاه و کمیسیون سپرده‌اند تا در جریان کارهای خود به جزئیات روابط متقابل این دو نهاد بپردازند (زمانی و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۵۵).

ماده ۲ پروتکل در خصوص رابطه بین دادگاه و کمیسیون این‌گونه مقرر می‌دارد: «دادگاه باید با توجه به مفاد این پروتکل، وظایف حمایتی و حفاظتی کمیسیون آفریقایی حقوق





بشر و مردم که به‌موجب منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم به آن اعطا شده است را تکمیل نماید». رابطه تکمیلی بین دادگاه و کمیسیون به‌موجب ماده ۵، بندهای ۱ و ۳ ماده ۶، ماده ۸ و همچنین ماده ۳۳ پروتکل سازمان‌دهی شده است (۸).

ماده ۵ پروتکل درخصوص حق مراجعه به دادگاه است که در بند اول به‌صراحت حق مراجعه کمیسیون را بیان می‌دارد. بند ۱ ماده ۶ پروتکل مقرر می‌دارد که: «دادگاه به‌هنگام تصمیم‌گیری درخصوص قابلیت پذیرش قضایای مطرح‌شده به‌موجب بند ۳ ماده ۵ پروتکل می‌تواند نظر کمیسیون را درخواست کند و کمیسیون باید تا حد ممکن سریع‌تر پاسخ خود را به دادگاه ارائه بدهد». این امر بدین معناست که دادگاه می‌تواند خود به قابلیت پذیرش مکاتبات رسیدگی کند و این اختیار را دارد، اما به دلیل دوباره‌کاری بعید است که دادگاه این کار را انجام بدهد. بند ۳ ماده ۶ این نظر را این‌گونه تأیید می‌کند که: «دادگاه می‌تواند قضایا را رسیدگی کرده یا آنها را به کمیسیون ارسال نماید».

ماده ۸ پروتکل بار دیگر بر مکمل‌بودن دادگاه تأکید می‌کند و این‌گونه بیان می‌دارد که: «با توجه به مکمل‌بودن کمیسیون و دادگاه، قواعد رسیدگی دادگاه باید جزئیات شریای را که دادگاه باید قضایای مطرح‌شده نزد آن را بررسی کند، را تدوین نماید». روابط بین دادگاه و کمیسیون در اصول رسیدگی این دو با جزئیات بیان شده است. مواد ۱۱۴ تا ۱۲۳ اصول رسیدگی کمیسیون با توجه به مواد بالا، چگونگی این رابطه را شرح داده‌اند. به‌علاوه ماده ۲۹ اصول رسیدگی دادگاه نیز به این مورد پرداخته است (Franceschi, 2014: 191).

مطابق با ماده ۲ پروتکل، کمیسیون باید دست‌کم سالی یک‌بار در صورت ضرورت، برای اطمینان از عملکرد رابطه بین دو نهاد، با دادگاه ملاقات کند. در صورت ضرورت دفتر دادگاه می‌تواند برای انجام وظایف محول‌شده به آنها از سوی هر دو نهاد، با دفتر دادگاه ملاقات نماید. گفتگوهای صورت‌گرفته در جلسات بین دفاتر دو نهاد باید توسط کمیسیون بررسی شود و در گزارش فعالیت‌های آن درج گردد. کمیسیون باید قبل از تدوین هر یک از اصول و قواعد مربوط به روابطشان مشورت کند (۹).

اگر مطابق با بند ۳ ماده ۴۵ منشور، از کمیسیون درخواست شده باشد که منشور را تفسیر نماید، کمیسیون باید بلافاصله رئیس دادگاه را مطلع کند. رونوشتی از تفسیر منشور توسط کمیسیون، باید به‌محض تصویب به رئیس دادگاه ارسال شود (۱۰). کمیسیون می‌تواند از دادگاه تقاضا کند که کمیسیون را از درخواست نظر مشورتی به‌موجب بند ۱ ماده ۴ پروتکل مطلع نماید (۱۱). بند ۱ ماده ۴ پروتکل مقرر می‌دارد که: «به درخواست



یک دولت عضو اتحادیه آفریقایی، هریک از ارکان آن یا هر سازمان آفریقایی که توسط سازمان شناخته شده باشد، دادگاه می تواند راجع به تمام مسائل حقوقی مرتبط به منشور یا هر سند آفریقایی حقوق بشری دیگر، نظر ارائه دهد؛ مشروط به آنکه موضوع مربوط به مسئله ای نباشد که توسط کمیسیون بررسی شده باشد» (Udombana, 2003: 66).

اگر کمیسیون درخصوص مکاتبه ارائه شده طبق مواد ۴۸، ۴۹ یا ۵۵ منشور تصمیمی اتخاذ کرده باشد و بیان نماید که کشور توصیه های کمیسیون را درخصوص مکاتبه در خلال مدت زمان مقرر (۱۸۰ روز) (۱۲)، اجرا نکرده است یا اصلاً تمایلی به اجرا ندارد، می تواند مکاتبه را به موجب شق الف بند ۱ ماده ۵ به دادگاه ارائه کرده و در ادامه طرفین را مطلع کند (۱۳).

اگر کمیسیون از کشور عضو درخواست کند که اقدامات موقتی را اتخاذ نماید و دریابد که دولت عضو اقدامات موقتی را رعایت نکرده است، می تواند مطابق با شق الف بند ۱ ماده ۵ پروتکل، پرونده را به دادگاه ارسال نماید و طرفین را مطلع کند (۱۴). در موارد نقض های فاحش، مطابق بند ۲ ماده ۸۴، کمیسیون می تواند در صورتی که این نقض ها طبق ماده ۵۸ منشور به نظر آن رسیده باشد، قضیه را نزد دادگاه مطرح کند. علاوه بر موارد بالا، کمیسیون می تواند در هر مرحله ای از رسیدگی به مکاتبه، در صورت تشخیص ضرورت، مکاتبه را به دادگاه ارجاع بدهد (۱۵).

همان گونه که پیش تر ذکر شد، ماده ۶ پروتکل درخصوص قابلیت پذیرش مکاتبه مقرر داشته است که دادگاه می تواند از کمیسیون درخواست کند که نظرش را ارائه نماید یا مکاتبه را به کمیسیون ارجاع بدهد و کمیسیون در این موارد باید قابلیت پذیرش مکاتبه را مطابق با ماده ۵۶ منشور و مواد ۱۰۵، ۱۰۶ و ۱۰۷ اصول رسیدگی کمیسیون بررسی کند و بلافاصله نظر خودش را به دادگاه ارائه نماید (۱۶). دادگاه باید رونوشتی از بخش های مرتبط پرونده را به همراه زمان مشخص شده برای ارائه نظارت کمیسیون، به کمیسیون ارسال کند (۱۷). هرگاه دادگاه تصمیم داشت که پرونده ای را مطابق با ماده ۶ پروتکل به کمیسیون ارسال کند باید رونوشتی از اظهارات طرفین دعوی را که در حدود موضوع مطرح کرده اند را به انضمام گزارش مختصری به کمیسیون ارائه نماید. در صورت تقاضای کمیسیون، دادگاه می تواند بخش اصلی پرونده را به کمیسیون ارسال کند (۱۸). مدیر دفتر باید بلافاصله طرفین دعوی را از ارجاع پرونده به کمیسیون مطلع نماید.

هرگاه کمیسیون تصمیم داشت که مطابق شق الف بند ۱ ماده ۵، پرونده‌ای را به دادگاه ارجاع بدهد، می‌تواند یک یا چند کمیسر برای نمایندگی نزد دادگاه انتخاب کند. کمیسره‌ای انتخاب‌شده باید توسط یک یا چند نماینده حقوقی دبیرخانه کمیسیون یا کارشناسان تعیین‌شده مساعدت شوند (۱۹). دادگاه در صورت ضرورت می‌تواند اظهارات یک یا چند کمیسر را استماع نماید (۲۰). به‌علاوه دادگاه می‌تواند در صورت ضرورت، به‌موجب ماده ۴۵ اصول رسیدگی دادگاه، اظهارات افراد یا سازمان‌های غیردولتی که مکاتبه‌ای را طبق ماده ۵۵ ارائه کرده‌اند، را استماع نماید (۲۱) (امیرارجمند، ۱۳۷۲: ۱۳۳).

هرگاه کمیسیون تصمیم داشت که پرونده را به دادگاه ارائه کند، باید دادخواست را مطابق با اصول رسیدگی دادگاه تنظیم نماید و خلاصه‌ای از مکاتبه و فایل مکاتبه را ضمیمه دادخواست کند. خلاصه باید شامل اسامی نمایندگان کمیسیون، حقایق مکاتبه و نیز تمام مقررات مربوطه منشور که نقض شده‌اند، باشد (۲۲). بند ۳ ماده ۱۲۱ اصول رسیدگی کمیسیون مقرر می‌دارد که در صورت ضرورت خلاصه ارائه‌شده توسط کمیسیون باید دربردارنده موارد زیر باشد:

- تاریخی که کمیسیون اتخاذ تصمیم کرده است یا درخواست اقدامات موقتی را تصویب و ارسال کرده است؛
 - حقایقی که وقوع نقض‌های شدید و فاحش را نشان دهند؛
 - تاریخی که در آن زمان تصمیم کمیسیون به کشور مدعی علیه ارسال شده است؛
 - اطلاعات مربوط به بازه‌های زمانی مشخص‌شده به‌موجب ماده ۱۱۳ اصول رسیدگی کمیسیون؛
 - در صورت امکان، اصحاب دعوا نزد کمیسیون.
- فایل مکاتبه و خلاصه ضمیمه‌شده به آن باید شامل تمام اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به مکاتبه و ازجمله اسناد مربوط به تلاش‌های انجام‌شده در حصول راه‌حل دوستانه و نیز تصمیم کمیسیون باشد.
- دبیرخانه کمیسیون باید دادخواست امضاشده توسط رئیس، فایل مکاتبه و خلاصه اشاره‌شده در بالا را مطابق با اصول رسیدگی دادگاه به دادگاه ارسال نماید. هرگاه دادگاه درخواست کند، کمیسیون باید فایل اصلی پرونده را به دادگاه ارسال کند. علاوه‌بر این، دبیرخانه کمیسیون باید بلافاصله طرفین دعوی نزد کمیسیون را از ارجاع پرونده به دادگاه مطلع کند و باید رونوشتی از فایل مکاتبه و خلاصه ضمیمه‌شده را به آنها ارائه نماید.



کمیسیون تنها در صورتی می‌تواند مکاتبه‌ای را بررسی کند که نزد دادگاه در حال رسیدگی است، مگر اینکه مکاتبه به صورت رسمی مسترد شده باشد (۲۳). دادگاه باید به منظور رسیدگی به پرونده‌های مطرح شده نزد آن توسط کمیسیون تحقیق کند که مکاتبه نزد کمیسیون هنوز در حال بررسی نیست. حال بعد از بررسی ارتباط این دو و تأثیرات متقابل این دو بر یکدیگر به بررسی صلاحیت‌های دادگاه آفریقایی حقوق بشر خواهیم پرداخت.

۳. صلاحیت ماهوی دادگاه آفریقایی حقوق بشر

دادگاه در دعاوی ترافی دارای اختیارات وسیعی است. به این مفهوم که علاوه بر منشور و پروتکل می‌تواند به سایر اسناد حقوق بشری مطابق با بند ۱ ماده ۳ پروتکل نیز رجوع کند. صلاحیت دادگاه، مقررات منشور، پروتکل الحاقی و نیز دیگر اسناد حقوق بشری مربوط را پوشش می‌دهد که توسط دولت‌های مربوطه تصویب شده‌اند؛ بنابراین صلاحیت دادگاه آفریقایی گسترده‌تر از دیگر نهادهای منطقه‌ای است. دادگاه بین آمریکایی و دادگاه اروپایی تنها می‌توانند این اسناد را به عنوان اسباب تفسیر سند مؤسس خود استفاده کنند، در حالی که دادگاه آفریقایی به طور قانونی می‌تواند دولت‌ها را به علت نقض اسناد جهانی و منطقه‌ای که تصویب کرده‌اند، محکوم نمایند.

در تحلیل ماده ۳ پروتکل، عبارت «دیگر اسناد حقوق بشری» در تفسیر و حوزه شمول صلاحیت دادگاه دارای اهمیت است. درباره این عبارت چند نظر ارائه شده است. به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران، منظور از «سایر اسناد»، علاوه بر کنوانسیون‌های بین‌المللی لازم‌الاجرا، شامل اعلامیه‌های حقوق بشری فاقد الزام حقوقی نیز می‌شود (Bratfeld, 2008: 89). اما به نظر می‌رسد این نوع استدلال با عبارت صریح بند ۱ ماده ۳ که بیان داشته: «سایر اسناد حقوق بشری که توسط کشورهای مربوطه تصویب شده‌اند»، مغایر است؛ زیرا اعلامیه‌های صرف، تعهدی در سطح بین‌المللی ایجاد نمی‌کنند و قابل تصویب نمی‌باشند؛ در نتیجه آنها نمی‌توانند در زمره دیگر اسناد حقوق بشری قرار گیرند.

برخی دیگر معتقدند که قربانی نقض می‌تواند به سندی استناد کند که بیشتر از سایر اسناد به نفع اوست. در این راستا، سایر حقوق‌دانان با نقد این دیدگاه، بر این مسئله تأکید کردند که تنها معاهداتی که به طور صریح به صلاحیت دادگاه اشاره کرده‌اند، مورد نظر بند ۱ ماده ۳ می‌باشند (زمانی و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۵۱)؛ و در خوانش مضیق متذکر شده‌اند که اعمال سایر معاهدات به غیر از منشور آفریقایی، موجب اختلال در کارکرد نهادهای حقوق بشری و ایجاد تعارض در تفسیر و اجرای سایر معاهدات خواهد شد. به نظر می‌رسد



خوانش مضیقی که این دسته از صاحب‌نظران ارائه داده‌اند با آنکه کمی بزرگنمایی در آن دیده می‌شود، قابلیت توجه بیشتری داشته باشد به این نحو که با این تصور سایر اسناد حقوق بشری را به تصویب رسانیده‌اند که حقوق ضمانت‌شده در این اسناد قابل ادعا در مقابل دادگاه نباشد، اما با تصویب پروتکل، دولت‌های آفریقایی عالم‌اً و عامداً به این ماده متعهد شده‌اند و در مذاکرات مقدماتی هم تفسیر موسع برداشت می‌شود. تردیدی باقی نمی‌ماند که بند ۱ ماده ۳ به‌منظور اعطای اختیار به دادگاه در اعمال سایر اسناد حقوق بشری علاوه‌بر منشور و پروتکل وضع شده است (زمانی و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۵۲). البته ذکر این نکته حائز اهمیت است که در تفسیر موسع، دادگاه‌ها باید جانب احتیاط را رعایت کرده و به دور از آرمان‌گرایی صرف با دیدی واقع‌گرایانه به اوضاع و احوال و پرونده‌ها نظر بيفکنند.

۴. صلاحیت شخصی دادگاه آفریقایی حقوق بشر

بحث از صلاحیت شخصی، در واقع به این منظور است که چه کسانی می‌توانند در دادگاه آفریقایی حقوق بشر طرح دعوی کرده یا طرف جریان رسیدگی دعوا قرار گیرند. پروتکل به‌طور صریح به اشخاصی که از این حق برخوردارند و حق شرکت در دادرسی را دارند را مورد توجه قرار داده و اشاره می‌کند که هرکدام شرایط خاصی را باید دارا باشند تا بتوانند پرونده‌هایی را به دادگاه ارائه دهند. به‌موجب ماده ۵ و بند ۶ ماده ۳۴ پروتکل، گروه‌های زیر حق ارائه پرونده‌هایی به دادگاه دارند که در ادامه به‌طور خلاصه توضیحاتی درباره هرکدام داده می‌شود.

۴-۱. دولت‌های عضو پروتکل

مقرره‌ای که دولت‌ها به موجب آن می‌توانند نزد دادگاه طرح دعوی نمایند در شق (ب) تا (د) بند ۱ ماده ۵ پروتکل ذکر شده است. پیش از همه، از میان کسانی که حق طرح دعوی نزد دادگاه دارند، دولت‌های متعاهدی هستند که پیش‌تر شکایتی را نزد کمیسیون مطرح کرده‌اند. به‌عنوان مثال، آیین دادخواهی به موجب ماده ۴۷ منشور بانجول را آغاز کرده باشند. به موجب شق (ج) بند ۱ ماده ۵ پروتکل دولتی که آیین مکاتبه علیه آن در نزد کمیسیون طرح شده است نیز، حق طرح دعوی نزد دادگاه را دارد. البته ذکر این نکته ضروری است که شق (ج) شامل آن دسته از کشورهایی که افراد شکایت را علیه آنها آغاز کرده‌اند، نیست و این کشورها حق طرح مکاتبه نزد دادگاه را ندارند. به این دلیل دولتی که شکایت فردی علیه آن نزد کمیسیون مطرح شده، این امکان را دارد که اتهامات وارد بر خود



را رد کند. در همین راستا دولت مربوطه این امکان را ندارد که حمایت شبه قضایی را نزد دادگاه در برابر اتهامات فردی درخواست کند.

علاوه بر این، پروتکل طبق شق (د) به کشورها این اجازه را می‌دهد که اگر شهروندشان قربانی نقض حقوق بشر شده‌اند، مستقیماً شکایتی را نزد دادگاه مطرح کنند. این موضوع صرفاً در پروتکل آفریقایی وجود دارد؛ زیرا در دیگر پیمان‌های منطقه‌ای و جهانی نفع مستقیم دولت مطرح‌کننده شکایت را در طرح دعوی نپذیرفته‌اند (۲۴) و شرط ملیت یا تابعیت را لحاظ نکرده‌اند. حال در توضیح این قسمت از ماده ۵ باید گفت که اگر شهروندان قادر باشند که به صورت فردی، طرح شکایت کنند و این کار را انجام دهند؛ مانعی بر سر راه دولت متبوع آنها خواهد بود که طرح شکایت کند. البته به نظر می‌رسد این محدودیت فاقد یک مفهوم معنادار است و آیین دادرسی وضع شده توسط شق (د) بند ۱ ماده ۵، خودش را کمتر از یک ابزار نظارتی حقوق بشری ارائه کرده است، بلکه بیشتر به عنوان یک آیین حمایتی منطقه‌ای برای حمایت دیپلماتیک است.

۴-۲. کمیسیون

مطابق با شق (الف) بند ۱ ماده ۵ پروتکل، کمیسیون خودش حق دارد که پرونده‌ها را به دادگاه ارجاع بدهد. کمیسیون‌های حقوق بشری در همه تعاملات منطقه‌ای، این حق را دارند یا داشته‌اند. این اختیار کمیسیون هم در مورد شکایات بین‌دولتی و هم در مورد شکایات فردی جاری است. این اختیار، محدوده بسیار گسترده‌ای را برای ارائه پرونده‌ها توسط کمیسیون باز می‌گذارد (۲۵).

۴-۳. افراد و سازمان‌های غیردولتی

بند ۳ ماده ۵ پروتکل، دسترسی مستقیم افراد و سازمان‌های بین‌المللی به دادگاه را این‌گونه مقرر می‌کند: «دادگاه می‌تواند به سازمان‌های غیردولتی مربوطه به وضعیت ناظر نزد کمیسیون و افراد اجازه بدهد که پرونده‌هایشان را مستقیماً نزد دادگاه، مطابق با بند ۶ ماده ۳۶ این پروتکل مطرح کنند». بند ۶ ماده ۳۴ پروتکل نیز مقرر می‌دارد: «در زمان تصویب این پروتکل یا هر زمانی بعد از آن، کشور باید اعلامیه قبول صلاحیت دادگاه را برای دریافت قضایا به موجب بند ۳ ماده ۵ پروتکل صادر کند. دادگاه نباید هیچ شکایتی را به موجب بند ۳ ماده ۵ در خصوص کشوری که این اعلامیه را صادر نکرده است، بپذیرد».

طبق این مواد می‌توان گفت که دو مسیر برای ارجاع پرونده‌ها توسط افراد به دادگاه وجود دارد. نخست، مسیری که به کمیسیون آفریقایی ختم می‌شود. به موجب این روش،



شاکیان فردی اجازه طرح مستقیم دعوی را ندارند و باید پرونده‌ها توسط خود کمیسیون ارجاع شود. مسیر دوم، مستقیم به خود دیوان ختم می‌شود و افراد مستقیماً به دیوان رجوع می‌کنند. البته لازم به ذکر است که این افراد نیستند که کمیسیون آفریقایی را کنار می‌گذارند، بلکه دولت‌های متبوع آنها هستند که این عمل را انجام می‌دهند. بدین صورت که با صدور یک اعلامیه یک‌جانبه، صلاحیت اجباری دیوان را وفق بند ۶ ماده ۳۴ می‌پذیرد. بنابراین دسترسی مستقیم افراد به دیوان یک اصل نیست، بلکه یک استثنا است که با صدور اعلامیه محقق می‌شود (Ingange, 2002: 177).

۴-۴. سازمان‌های بین‌دولتی آفریقایی

مطابق با شق بند ۵ ماده ۵ پروتکل، سازمان‌های بین‌دولتی آفریقایی حق طرح دعوی نزد دیوان را دارند. این مقرر یکی از ویژگی‌های خاص پروتکل نسبت به سایر معاهدات منطقه‌ای است. البته باید توجه داشت که در مقررات معاهده‌ای حقوق بشر آفریقا، سازمان‌های بین‌المللی، نه عضو متعاقد منشور هستند و نه دیگر معاهدات قابل اجرا و نه پروتکل به لحاظ فنی برای الحاق یک سازمان بین‌المللی مقرر شده‌اند. در نتیجه این امتیاز یک «وضعیت قانونی رویه‌ای» محسوب می‌شود و طبق حقوق معاهدات تحت حوزه نظارتی ماده ۳۶ کنوانسیون حقوق معاهدات بین‌دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی ۱۹۸۶ است. پس می‌توان گفت زمانی مداخله قابل قبول است که سازمان‌های بین‌المللی آفریقایی ذینفع، رضایت مثبت داشته و این رضایت در مقررات درون‌سازمانی تضمین شده باشند. البته در بحث صلاحیت شخصی دادگاه، ذکر این نکته مهم است که بند دوم ماده ۵ پروتکل ورود کشور ثالث را نیز در دعاوی به شرطی پذیرفته که نفعی در پرونده داشته باشند و البته وجود «نفع» را، خود دادگاه احراز می‌کند.

۵. قابلیت پذیرش مکاتبات یا احراز صلاحیت

بعد از اینکه دفتر دادگاه، شکایات را دریافت و ثبت کرد به موجب مواد ۳۶ و ۳۷ اصول رسیدگی دادگاه، تمام اظهارات طرفین توسط مدیر دفتر دادگاه دریافت و ثبت می‌شود و رونوشتی از آنها به طرف دیگر ارسال می‌گردد که مدیر دفتر باید آنها را ثبت کند. کشور عضوی که شکایت علیه آن مطرح شده است، باید در خلال شصت روز پاسخ بدهد که قابل تمدید نیز است. طبق ماده ۳۸ اصول رسیدگی، اگر دادگاه دریابد که شکایت یا مکاتبه فاقد ماهیت است، آن را مختومه اعلام می‌کند. حال بعد از این مرحله مقدماتی، دادگاه باید صلاحیت خود را طبق ماده ۵۰ و ۵۶ منشور و ماده ۴۰ اصول رسیدگی احراز نماید و



قابلیت پذیرش شکایت را محرز بدانند. در این مرحله دادگاه می‌تواند از طرفین بخواهد که هرگونه اطلاعات واقعی، اسناد یا دیگر مدارک را که توسط دادگاه مرتبط با مسئله لحاظ می‌شوند را ارائه کنند (۲۶).

در این مجال پاسخ به این پرسش اهمیت زیادی دارد که آیا در بررسی قابلیت پذیرش مکاتبات و درنهایت رسیدگی ماهیتی و تصمیم‌گیری درخصوص مکاتبه، رسیدگی قبلی کمیسیون ضرورت دارد یا خیر؟ در پاسخ باید گفت که به نظر می‌رسد که پیش‌فرض مراجعه به دادگاه آفریقایی حقوق بشر، توسل مقدماتی به کمیسیون نباشد. این یکی از اختلافات و تفاوت‌های اساسنامه‌ای بین نظام آمریکایی و آفریقایی حقوق بشر است؛ زیرا طبق معاهده آمریکایی حقوق بشر تنها کمیسیون و کشورها حق مراجعه به دادگاه را دارند (بند ۱ ماده ۶۰). به دیگر سخن پیش‌فرض مراجعه به دادگاه آمریکایی حقوق بشر، توسل قبلی به کمیسیون است.

در توضیح عدم مراجعه قبلی به کمیسیون برای طرح دعوا، بهتر است ابتدا اهداف آیین دادخواهی کمیسیون آفریقایی حقوق بشر روشن شود. بدین منظور می‌توان دو کارکرد اصلی را برای کمیسیون تعریف کرد. نخست اینکه این سازوکار باید باری را از عهده دادگاه بردارند. کمیسیون این وظیفه را از طریق بررسی حقایق مربوطه و تهیه گزارش نهایی به یک نظر حقوقی انجام می‌دهد. دومین کارکرد، نقش واسطه‌ای کمیسیون است، اما «واسطه‌بودن» به این معنا نیست که مراجعه قبلی، شرط مراجعه به دادگاه باشد؛ زیرا از منطوق مواد پروتکل نیز نمی‌توان چنین برداشتی کرد. از طرف دیگر در ماده ۵ پروتکل به افراد و سازمان‌های غیردولتی حق داده شده که پرونده را مستقیم به دادگاه ارائه کنند. البته در طول مذاکرات تدوین پروتکل، کشورها دسترسی به دیوان را مشروط به مراجعه قبلی به کمیسیون می‌دانستند و آن را قید کرده بودند، اما مقرره زیربط که در پیش‌نویس کیپ‌تاون و نواکشوت قید شده بود، درنهایت حذف شد و مقررهای جایگزین آن نشد (زمانی و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۵۵). بند ۲ ماده ۸ پیش‌نویس نواکشوت به صورت دقیق این‌گونه تدوین شده بود: «دادگاه یک پرونده را به‌موجب ماده ۵۵ منشور رسیدگی نماید؛ مگر اینکه کمیسیون آن موضوع را بررسی کرده و گزارشی را در مورد آن آماده کرده باشد». این شرط بدون جایگزین در مذاکرات سوم کارشناسان حذف شد.

با این تفصیل به نظر می‌رسد که مراجعه قبلی به کمیسیون در طرح دعوا لازم نیست. به‌غیر از این مورد، باید این نکته را در نظر داشته باشیم که کمیسیون آفریقایی تنها زمانی



به منزله کانال حمایتگر مقدماتی افراد عمل می‌کند که دولت اعلامیه‌ای مبنی بر پذیرش صلاحیت دادگاه آفریقایی حقوق بشر را طبق بند ۶ ماده ۳۴ (مراجعه مستقیم افراد به دادگاه) صادر نکرده باشد.

حال بعد از روشن شدن موضوع عدم مراجعه مقدماتی به کمیسیون، به معیارهای قابل پذیرش مکاتبه نزد دادگاه می‌پردازیم. پروتکل سه معیار را برای پذیرش مکاتبه در ماده ۶ بیان می‌کند. دادگاه در زمان تصمیم‌گیری درخصوص قابلیت پذیرش قضایای مطرح شده به موجب بند ۳ ماده ۵ این پروتکل، می‌تواند نظر کمیسیون را که باید تا حد ممکن سریع به دادگاه ارائه بدهد را درخواست نماید. در این بند، تلاش بر این است که اتصال بین صلاحیت دادگاه و کمیسیون، ملحوظ نظر قرار گیرد، اما از صلاحیت نظارتی بهتری برخوردار نیست. دادگاه باید درخصوص قابلیت پذیرش پرونده‌ها با توجه به مقررات ماده ۵۶ منشور حکم صادر کند. دادگاه می‌تواند قضایا را بررسی کرده یا آنها را به کمیسیون ارسال کند. بند ۳ ماده ۶ به نظر می‌رسد آزادی زیادی برای دادگاه قائل شده است، در نتیجه می‌توان گفت که دادگاه در رعایت مفاد ماده ۵۶ منشور مختار است به اینکه خودش تصمیم‌گیری کند و در صورت نیاز نظر کمیسیون را جویا شود یا اینکه در کل، پرونده را برای بررسی قابلیت پذیرش به کمیسیون ارسال نماید.

قبل از ورود به بحث شرایط رسیدگی و ارائه حکم، ذکر این مهم خالی از فایده نیست که طبق ماده ۹ پروتکل: «دادگاه می‌تواند برای حصول حل و فصل دوستانه در قضیه مطابق با مقررات منشور تلاش کند». حال این امکان حل و فصل دوستانه در اصول رسیدگی به دو صورت مطرح شده است. یکی در ماده ۵۶ اصول رسیدگی که مربوط به خارج دادگاه است و دیگری، ماده ۵۷ اصول رسیدگی که مربوط به امکان حل و فصل در سایه حمایت دادگاه است.

≠ **حل و فصل در خارج از دادگاه:** طرفین دعوی می‌توانند اختلاف خود را به صورت دوستانه در هر زمانی قبل از اینکه دادگاه رأی خود را صادر کند، حل و فصل نمایند. هرگونه مصالحه بین طرفین باید به دادگاه گزارش داده شود تا دادگاه حکمی محدود به خلاصه اظهارات و حقایق و راه‌حل به دست آمده را تصویب کند. با این وجود، دادگاه می‌تواند به تشخیص خود به موجب ماده ۹ پروتکل، تصمیم بگیرد با وجود یک راه‌حل دوستانه بین طرفین در خارج از دادگاه، کماکان به رسیدگی پرونده ادامه دهد (۲۷).



≠ **حل و فصل دوستانه در سایه دادگاه:** به منظور تحقق ماده ۹ پروتکل، دادگاه می‌تواند با طرفین تماس حاصل نماید و اقدامات مقتضی را برای تسهیل حل و فصل اختلافات، بر اساس احترام به حقوق بشر و مردم که در منشور شناخته شده‌اند، اتخاذ کند. تمام مذاکرات صورت گرفته بدین منظور باید محرمانه باشد و بدون پیش‌داوری در خصوص اظهارات طرفین در رسیدگی نزد دادگاه صورت بگیرد. هیچ‌یک از مذاکرات کتبی و اظهارات شفاهی و نیز امتیازات پیشنهاد شده توسط طرفین به عنوان بخشی از مذاکرات حل و فصل دوستانه نباید در روند رسیدگی به مکاتبه در نزد دادگاه اشاره و استناد شود (۲۸). حال اگر قضیه به صورت دوستانه حل شد، دادگاه باید حکمی صادر کند که در بردارنده خلاصه‌ای از حقایق و نیز راه حل به دست آمده باشد. بند ۴ ماده ۵۷ اصول رسیدگی دادگاه مقرر می‌دارد که: «با این حال، دادگاه می‌تواند به موجب پروتکل به صلاح‌دید خود تصمیم بگیرد که با وجود راه حل دوستانه به بررسی مکاتبه ادامه دهد».

۶. مراحل و شرایط رسیدگی

آیین دادرسی دادگاه متشکل از اقدامات کتبی و در صورت ضرورت، اقدامات شفاهی و رسیدگی حضوری است. آیین رسیدگی کتبی شامل مکاتبه دادگاه، طرفین، کمیسیون و در صورت اقتضای مکاتبات، اظهارات، دفاعیات و نیز تمام پاسخ‌ها و اسناد و مدارک استنادی یا رونوشت تصدیق شده آنها است. آیین رسیدگی حضوری نیز شامل استماع و رسیدگی توسط دادگاه از نمایندگان طرفین، شهود و کارشناسان یا دیگر اشخاصی که ممکن است دادگاه تصمیم بگیرد اظهاراتشان را استماع نماید، می‌شود (۲۹).

رئیس دادگاه بعد از مشورت با طرفین یا نماینده‌های کمیسیون، در صورت امکان، تاریخ استماع حضوری را مشخص می‌کند. جلسات رسیدگی حضوری به صورت علنی است. با این حال، دادگاه می‌تواند به صلاح‌دید خود یا درخواست طرف دعوا؛ اگر این درخواست به نفع افکار عمومی و نظم و امنیت عمومی باشد، جلسه را محرمانه برگزار کند. در جریان رسیدگی دادگاه می‌تواند تصمیم بگیرد که اظهارات شاهد یا کارشناس یا هر شخص دیگری که اظهارات یا تأییدیه‌های وی می‌تواند دادگاه را در انجام وظایفش کمک کند را دریافت نماید و همچنین می‌تواند یک یا چند نفر از اعضایش را برای انجام تحقیقات، بازرسی صحنه یا تحقیق مدرک، در هر زمان در خلال رسیدگی به دعوی، تعیین کند (۳۰). در طول استماع حضوری، امکان بازجویی و پرسش از شهود و کارشناسان



توسط طرفین یا نمایندگان کمیسیون وجود دارد و در عوض امکان اعتراض توسط پرسش‌شوندگان نیز وجود دارد و می‌توانند درخواست کنند که دوباره مصاحبه شوند (۳۱). در طول رسیدگی، صورت‌جلسات تمام جلسات رسیدگی حضوری توسط مدیر دفتر دادگاه ثبت می‌شود. نمایندگان طرفین دعوی یا کمیسیون می‌توانند صورت‌جلسات و استدلال‌ات و اظهارات و نیز اسناد و مدارک را اصلاح نمایند، به شرط اینکه این اصلاحات بر عین گفته‌ها تأثیر نگذارد. مسئولیت این امر با مدیر دفتر است که باید چارچوب زمانی را برای ارائه اصلاحات احتمالی تعیین کند (۳۲). ذکر این نکته حائز اهمیت است که بعد از ختم رسیدگی طرفین نمی‌توانند مدارک جدید را ارائه نمایند، مگر با اجازه دادگاه (۳۳).

موضوع قابل کنکاش دیگری که ممکن است در جریان رسیدگی پیش بیاید، ورود کشور ثالث در دعوی اصلی است (لوین، ۱۳۷۷: ۱۰۴). مبنای ورود کشور ثالث در دعاوی مطرحه در دادگاه حقوق بشری آفریقا، بند ۲ ماده ۵ پروتکل است که مقرر می‌دارد: «زمانی که کشور عضو نفعی در پرونده دارد، می‌تواند از دادگاه درخواست نماید که اجازه ورود کشور ثالث به دعوی را بدهد». از سوی دیگر به موجب بند ۱ ماده ۵۳ اصول رسیدگی دادگاه درخواست کشور ثالث برای ورود به دعوی باید تا حد ممکن سریع و قبل از خاتمه رسیدگی کتبی به پرونده ارسال شود. درخواست ورود کشور ثالث، علاوه بر اینکه باید نمایندگان شاکی مشخص شوند، باید دربردارنده موارد زیر نیز باشد:

- نفع قانونی که به نظر کشور مداخله‌کننده، تأثیرگذار باشد؛
- هدف دقیق مداخله؛

- اساس و مبنای صلاحیتی که به نظر کشور مداخله‌کننده بین آن و طرفین دعوی وجود دارد (۳۴).

این درخواست‌ها باید مستدل و مستند باشد (۳۵). باید رونوشت این درخواست به طرفین اصلی و نهادهای مرتبط با ماده ۳۵ اصول رسیدگی ارسال شود و آنها باید نظرات خود را ابراز کنند (نعیمی بافقی، ۱۳۹۴). اگر درخواست توسط دادگاه پذیرفته شد، دادگاه باید زمانی تعیین کند تا در خلال آن مدعی علیه اظهارات کتیبش را ارائه دهد و مدیر دفتر باید آنها را به طرفین اصلی ارسال کرده و آنها به اظهارات دولت ثالث را به صورت کتبی پاسخ دهند (۳۶). کشور ثالث نیز حق دارد در جلسه حضوری، در صورتی که برگزار شود، شرکت کند.



۷. رسیدگی به ماهیت و موضوع کار

بعد از اینکه شکایت قابل پذیرش اعلام شد و مراحل کتبی و شفاهی به پایان رسید و طرفین به راه حل دوستانه‌ای دست نیافتند، دادگاه وارد بررسی ماهیت می‌شود و از طرفین درخواست می‌کند تا اظهارات خود را در این خصوص بیان نمایند. پاسخ هریک از طرفین به طرف دیگر ارسال می‌شود تا طرف مقابل، استدلالات خود را بیان کند. این امر بسیار مهم است که شاکی در مورد اثبات ماهیت دعوی تمام اسناد و مدارک خود را به دادگاه ارائه کند. پس از بررسی، دادگاه به دو شیوه و به شرحی که در ادامه می‌آید به ختم دادرسی می‌رسد.

۷-۱. عدم پیگیری

یکی از شیوه‌های ختم دادرسی، عدم پیگیری مکاتبه است (۳۷). هرگاه شاکی مدیر دفتر دادگاه را مطلع کند که قصد پیگیری مکاتبه را ندارد، دادگاه باید در این خصوص تصمیم شایسته‌ای را اتخاذ و پرونده را از فهرست مکاتبات دادگاه خارج کند. اما در این خصوص اختیار تام عدم پیگیری به شاکی داده نشده است و این امر مبتنی بر رضایت کشور مدعی علیه نیز هست؛ با این توضیح که اگر در زمان دریافت تذکر از سوی شاکی مبنی بر عدم پیگیری مکاتبه، دولت مدعی علیه پیش‌تر اقداماتی را در جهت رسیدگی به پرونده انجام داده باشد، رضایت دولت مدعی علیه لازم است (تاموشات، ۱۳۸۶: ۳۴).

۷-۲. صدور حکم

بعد از ختم رسیدگی به مکاتبه، دادگاه باید اقدام به صدور حکم نماید. تصمیم دادگاه باید در خلال نود روز از تاریخ خاتمه مذاکرات اتخاذ شود (۳۸). مذاکرات دادگاه برای ایراد حکم به صورت غیرعلنی و محرمانه است و تنها قضاتی که در جریان رسیدگی به پرونده، عضو دادگاه بودند باید در مذاکرات نهایی دادگاه شرکت کنند. تصمیم با اکثریت حاضر اتخاذ می‌شود و در صورت تساوی، حکم رئیس دادگاه ملاک خواهد بود. آرا باید مستدل باشد (بند ۶ ماده ۲۸ پروتکل). به موجب بند ۳ ماده ۲۸ پروتکل و بند ۴ ماده ۶۱ اصول رسیدگی، آرای دادگاه قطعی است و امکان تجدیدنظر وجود ندارد (مگر در صورتی که دلیل جدیدی کشف شود که طرف دعوی در زمان صدور حکم از آن مطلع نبوده، لذا باید ظرف شش ماه از اطلاع، مدرک جدید ارائه شود) (۳۹) و بند ۵ ماده ۶۱ اصول رسیدگی بر الزام آور بودن آرا تأکید می‌کند.



البته باید این نکته را در خاطر داشت که این آرا طبق بند ۴ ماده ۲۸ پروتکل قابلیت تفسیر را به دادگاه صادرکننده رأی می‌دهد، اما درخواست تغییر رأی که به درخواست یکی از طرفین یا هر دو انجام می‌پذیرد؛ مشروط به این است که نخست، به منظور اجرای حکم باشد و دوم، در خلال دوازده ماه از تاریخی باشد که حکم ابلاغ شده است. البته دادگاه می‌تواند برای رعایت عدالت غیر از این تصمیم بگیرد. در زمان بررسی درخواست تغییر رأی، دادگاه باید متشکل از همان قضاتی باشد که حکم را صادر کرده‌اند. با این حال، هرگاه یکی از اعضا حضور نداشته باشند، باید قاضی جایگزین شود (۴۰). نکته مهم این است که نظر دادگاه درباره تغییر باید به صورت حکم اتخاذ شود و به موجب بند ۵ ماده ۶۶ اصول رسیدگی، درخواست تغییر رأی (مانند درخواست تجدیدنظر)، اجرای حکم را متوقف نمی‌کند، مگر اینکه دادگاه غیر از این تصمیم بگیرد.

فرجام

به طور کلی شکایات و دادخواهی‌های فردی، ابزار مؤثری برای حمایت از حقوق بشر تلقی می‌شوند. اگرچه آئین بررسی شده منجر به تصمیمی الزام‌آور نمی‌شود، اما این انتظار می‌رود تا زمانی که حکومت مربوطه فقط در پی اعتبار بین‌المللی خود است و می‌خواهد به معیارهای جامعه بین‌المللی توجه کند، ضعف‌های پیش‌گفته شده جبران نشود. اساساً پذیرش آیین شکایت یا بازرسی‌های محلی حکایت از اراده دولت‌ها در وفاداری به آن معیارهای بین‌المللی دارد که بیشتر به اعتبار و حیثیت کشورها و حفظ برتری دولتی در رقابت‌های بین‌دولت‌ها مرتبط است. اگر دولتی مفاد ماهوی معاهده حقوق بشری را بپذیرد، اما از پذیرش سازوکارهای شکلی آن خودداری نماید، به‌ویژه به آیین دادرسی موجود در آن بی‌اعتنایی کند، دلیلی بر سوءظن و بی‌اعتمادی است و می‌تواند تأییدی بر این باشد که سابقه نظام دادخواهی در آن کشور رضایت‌بخش نیست. بالطبع آیین دادخواهی فردی در دادگاه آفریقایی حقوق بشر نیز از این امر مستثنا نیست.

با این وجود، نمی‌توان کتمان کرد که نظام شکایت مستقیم افراد در این مرجع، نقطه قوت و شاخصه آن نسبت به دادگاه هم‌ردیف خود در قاره آمریکا است؛ هرچند که در این مورد از آیین دادخواهی اروپایی تقلید کرده است. شاخصه خاص دیگر این مرجع نسبت به سایر مراجع منطقه‌ای، قابلیت طرح دعوا از سوی سازمان‌های بین‌دولتی محدوده آفریقا است. البته این امر با آنکه یک وضعیت مبهم بین قانون و رویه است؛ اما بازهم گامی رو به جلو است. با توجه به اینکه این دادگاه در اوایل کار خود است و تنها یک پرونده را به انجام



رسانده، نمی‌توان نیت به قدرت تأثیرگذاری آن با قاطعیت اظهار نظر کرد، ولی می‌توان از یک سو با گسترش آموزش و افزایش سازمان‌های غیرانتفاعی به منظور حمایت و گسترش ارزش‌ها و قواعد حقوق بشری در این جوامع و از طرف دیگر با شناساندن راه‌ها و آیین‌های دادخواهی فردی به این ملت‌ها به گسترش آگاهی آنها و در نتیجه افزایش مکاتبات با این مرجع را انتظار داشت و استقلال، رویه‌سازی و درعین حال حمایت گسترده از حقوق بشر در قاره آفریقا را به نظاره نشست.



پی‌نوشت‌ها:

- (۱) منشور آفریقایی، از جمله مهم‌ترین اسناد منطقه‌ای حقوق بشر در نظام حقوق بشر آفریقا به شمار می‌آید که در راستای به رسمیت‌شناختن هنجارهای حقوق بشری و حمایت و ترویج آزادی‌های اساسی به تصویب رسیده است.
- (2) Rules of the African Court on Human and Peoples Rights, Rule 9.
- (3) Rules of the African Court on Human and Peoples Rights, Rule 8.
- (4) Rules of the African Court on Human and Peoples Rights, Rule 14.
- (۵) بند ۳ ماده ۴۵ منشور بیان می‌کند که: «کمیسیون از صلاحیت مشورتی برخوردار است».
- (۶) ماده ۲۸ پروتکل در رسیدگی علنی به شکایات؛ مگر در موارد استثنایی و ماده ۳۰ پروتکل در اجرای اختیاری شکایات.
- (۷) ماده ۱۱ پروتکل در تعداد قضات، ماده ۱۳ پروتکل در نحوه انتخاب قضات و ماده ۲۱ پروتکل در نحوه انجام وظایف قضات.
- (8) Commission Rules of procedure, Rule 114(2).
- (9) Commission Rules of procedure, Rule 115 & Rules of court, Rule 29 (1) (2).
- (10) Commission Rules of procedure, Rule 116.
- (11) Commission Rules of procedure, Rule 117.
- (12) Commission Rules of procedure, Rule 112(2).
- (13) Commission Rules of procedure, Rule 118(1).
- (14) Commission Rules of procedure, Rule 118(2).
- (15) Commission Rules of procedure, Rule 118(3) (4).
- (16) Commission Rules of procedure, Rule 119.
- (17) Rules of Court, Rule 29(4).
- (18) Rules of Court, Rule 29(5).
- (19) Commission Rules of procedure, Rule 120.
- (20) Rules of Court, Rule 29(3) (b).
- (21) Rules of Court, Rule 29(3) (c).
- (22) Commission Rules of procedure, Rule 121(1) (2).
- (23) Commission Rules of procedure, Rules 122, 123.
- (۲۴). ماده ۴۵ کنوانسیون امریکایی، ماده ۳۳ کنوانسیون اروپایی، ماده ۱۱ منع شکنجه، ماده ۲۱ کنوانسیون ضد شکنجه و ماده ۳۱ کنوانسیون منع تبعیض.
- (25) Application No. 004/2011, African Commission on Human and Peoples Rights V. Great Socialist People's Libyan Arab Jamahiriya.



- (26) Rules of Court, Rule 27.
- (27) Rules of Court, Rule 56.
- (28) Rules of Court, Rule 57(2).
- (29) Rules of Court, Rule 27.
- (30) Rules of Court, Rule 45.
- (31) Rules of Court, Rule 47.
- (32) Rules of Court, Rule 48(2).
- (33) Rules of Court, Rule 49, 50.
- (34) Rules of Court, Rule 53.
- (35) Rules of Court, Rule 53(2).
- (36) Rules of Court, Rule 54.
- (37) Rules of Court, Rule 58.
- (38) Rules of Court, Rule 59(2).
- (39) Rules of Court, Rule 67(1).
- (40) Rules of Court, Rule 66.

منابع

الف - فارسی

- احمدپور، مظاهر و حسن موثقی (۱۳۹۲)، *حقوق بین‌الملل عمومی: گزیده مقالات ISI* تهران: خرسندی.
- اسمیت، روناک (۱۳۸۸)، *قواعد حقوق بین‌المللی بشر*، ترجمه فاطمه کیهانلو، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- امیرارجمند، اردشیر (۱۳۷۲)، *مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر*، جلد دوم، قسمت دوم؛ اسناد منطقه‌ای، تهران: دانشگاه شهیدبهشتی.
- تاموشات، کریستیان (۱۳۸۶)، *حقوق بشر مبانی نظری، تحولات تاریخی و سازوکارهای اجرایی*، ترجمه حسین شریفی طرازکوهی، تهران: میزان.
- زمانی، سیدقاسم و دیگران (تدوین و ترجمه) (۱۳۸۶)، *نهادها و سازوکارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر*، تهران: شهر دانش.
- شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۸۰)، *حقوق بشر (نظریه‌ها و رویه‌ها)*، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- لویس، لیا (۱۳۷۷)، *پرسش و پاسخ درباره حقوق بشر با کاریکاتورهایی از پلانتو*، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: قطره

نعیمی بافقی، مهدی (۱۳۹۴)، «دادگاه آفریقایی حقوق بشر و بررسی اولین رأی صادره از این دادگاه» *دومین همایش ملی عدالت*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد.

ب- انگلیسی

Bortfeld, Mathias R. (2008), *The African Court on Human and Peoples' Rights: Prospects and Procedures*, A thesis submitted in partial fulfilment of the requirements for the Degree of Master of Laws, University of Canterbury.

Ingange-Wa-Ingange, Jean Désiré (2010), *The African human Rights System: Challenges and Prospects* (Doctoral dissertation), Department of Constitutional, International and Indigenous Law, Faculty of Law, University of South Africa.

Franceschi, Luis Gabriel (2014), *The African Human Rights Judicial System: Streamlining Structures and Domestication Mechanisms Viewed from the Foreign Affairs Power Perspective*, Cambridge: Cambridge Scholars.

Spilid, U. (2007), *African Human Rights Complaints Handling Mechanisms—A Descriptive Analysis*, Denmark: Danish Institute for Human Rights.

Udombana, N. J. (2003), "An African Human Rights Court and an African Union Court: A Needful Duality or a Needless Duplication?", *Brooklyn Journal of International Law*, Vol.28, No.3.

Viljoen, F., & Odinkalu, A. C. (2006), *The prohibition of torture and ill-treatment in the African human rights system: a handbook for victims and their advocates*, Boris Wijkstrom.

